

آنکس را جواب جزین نباشد که بوی نویسد که ای فلان من پنداشتم
که نوعی و بس گفتون بدانستم که با عینی اجماع این لذت جماعت
ذوق است اگر برش برسی خود دانی و اگر بگفت و نوشت را
نیاید ای فرزند سؤالمای تو بعضی بچین است اما آنچه بگفت و نوشت
راست آید در کت احیا و دیگر کتبها شرح داده ایم از اینجا طلب میکن
اما اینجا اشارتی کرده شود که بر سالک راه خدای تعالی چه
واجب است اول چیزی که بر سالک راه خدای واجب است اعتقاد
پاکست چنانکه در آن هیچ بدعتی نبود قویه نضوج که بعد از آن
پا را سر زلت نرود خصم را خشنود کردن چنانچه بر پیش آورند
را بروی حقی نماید انکه از علم شریعت چندان حاصل کنی که اگر
خدای تعالی بدان بگذارد و از علم پیش ازین بروی واجب نیست
و این ترانیک از حکایه مشایخ معلوم کردد آورده اند که یکی
رحم الله کنت چهار صد کت را خدمت کردم و بنزدیک این استادی
چهار صد هزار حدیث خواندم و ازین جمله یک حدیث اختیار کرده
ام و بعلی آوردم و باقی فرو گذاشته ام زیرا که چون درین حدیث تأمل کردم
نجات خود در آن دیدم و نیز علم اولین و آخرین درین دیدم رسول صلی الله علیه
و سلم فرمود پس یکی از صحابه اعلی الدین بقدر مقامک فیها و اعلی الآخرة بقدر مقامک
فیها و اعلی الله بقدر حاجتک الیه و اعلی النار بقدر صبرک فیها ای فرزند ترا
ازین حدیث معلوم شد که تو با علم بسیار خواندن حاجت ندیست زیرا که علم

خواندن

خواندن از فروع کفایت است دیگران با آن از کون تو برداشته اند و در
حکایت دیگر آورده اند که حاتم اصم رحمه الله از شاکردان و مردان شفیق بلخی
بود کنت ای حاتم چندگاه است که تدرصحت منی می باشی و سخن من می
شنوی حاتم کنت سی و سه سال است کنت درین مدت چه حاصل کرده
و چه فایده از من شنیده کنت هشت فایده حاصل کرده ام شقیق کنت
انا لله وانا الیه راجعون ای حاتم من جمله عمر کار تو کردم ترا پیش ازین
فایده حاصل نشد کنت ای شیخ اگر راست می خواهی چنین است و پیش ازین
فی خواهم و مرا از علم این قدر رسیده است زیرا که هر معلوم شد که خلاصه و کفایت
من در درجه ان درین هشت فایده است شقیق کنت بگوی که این
هشت فایده خود چیست کنت ای استاد آنست که
درین خلق جهان نگاه کردم دیدم که هر کسی محبوبی و معشوقی اختیار
کرده اند و ایشان بعضی تا برضی با او بودند و بعضی تا تا بوت و بعضی
تا بلب کور پس همه ازیشان باز کردند و ایشان ترا و عید را فریاد باز کردند
و هیچ یکی ازیشان با او بگردد و نمود و مونس وی نبود پس اندیشه کردم
و با خود گفتم که محبوب آن نیک است که با حجب بگردد و مونس در حجاب
هی باشد پس دیدم آن محبوب که این صفت دارد افعال صالح است پس
من از محبوب گرفتم و حجب خود ساختم تا با من در کور آید و مونس در حجاب
در منازل قیامت با من باشد و هرگز از من برنگردد شقیق کنت چیست
باقره العین یا حاتم دریا و نیکو کنتی پیا و فایده دوم کنت ای استاد

در قیامت دعوت
و منازل باوی باشد